

تصمیمات دولتی باید در بسته‌ای عرضه شود که ۱. منافع حاصل از اجرای آن تصمیم را به شهروندان بیان کند؛ ۲. حس هم‌نوع‌دوستی شهروندان را برای اجرای تصمیم مورد بحث تحریک کند؛ ۳. شرایط عمومی جامعه را که به اتخاذ تصمیم مزبور منجر می‌شود اعلام کند؛ ۴. تا جای ممکن آن تصمیم متناسب با فطرت سلیم شهروندان باشد تا زمینه پذیرش و ظرفیت اجرای آن ایجاد شود.

علامه جوادی‌آملی مطرح کرده‌اند. در برداشت این فیلسوفان، عدالت، عاملی دانسته شده که مانع از فروپاشی جامعه می‌شود. این اولین شاخص عدالت اجتماعی در حوزه نگرشی فیلسوفان متعالیه است. توضیح اینکه به عقیده علامه طباطبایی و علامه جوادی‌آملی زندگی اجتماعی انسان از روی ناچاری شکل گرفته است؛ یعنی نیازهای نامحدود، توان محدود بشری انسان را سوق داده است به این سمت که بیاید با دیگران زندگی جمعی داشته باشد. به این معنا که انسان ابتدا وقتی نیازهای خویش را می‌بیند و از طرفی توان انجام آن‌ها را به طور انفرادی ندارد، تصمیم می‌گیرد که توان جسمی یا ظرفیت دیگران را به توان و ظرفیت خود اضافه کند؛ بنابراین شروع می‌کند به بهره‌برداری و بهره‌گیری از هم‌نوعانش؛ اما این نوع زندگی و این شیوه همکاری با هم‌نوعان به جای اینکه باعث رفع نیازهایش شود، نیازها و موانع بیشتری برای زندگی و رفع نیازهایش پدید می‌آورد؛ زیرا موجب تضادهای بیشتر بین انسان‌ها می‌شود؛ در نتیجه تصمیم می‌گیرد که تعاملی دوسویه با دیگران برای رفع نیازهای خود و دیگران برقرار کند. به این صورت است که تقسیم کار اجتماعی در جامعه تحقق می‌یابد و آدمی سعی می‌کند که در قبال رفع نیازهای خودش، نیازهای دیگران را هم رفع کند. وقتی این کار را به صورت مداوم بخواهد انجام بدهد او به چیزی نیاز پیدا می‌کند که ما آن را «عدالت» می‌گوییم؛ زیرا «نیازها» و «منافع» وقتی ممکن است برآورده شوند که توأم با عاملی باشند که این عامل مانع از فروپاشی اجتماع شود. وقتی به اینجای رسیدیم دومین شاخص از شاخص‌های عدالت اجتماعی خودش را نشان می‌دهد.

دومین شاخص، خصیصه «اخلاقی» است. اصولاً هیچ اجتماعی امکان ایجاد ندارد مگر اینکه حداقلی از اخلاق در آن تحقق یافته باشد. برای اینکه هیچ زندگی اجتماعی (حتی زندگی زناشویی) شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه هر فرد از بخشی از آزادی‌ها و منیت‌هایش بگذرد. در واقع پیش شرط رسیدن به زندگی اجتماعی، رسیدن به این حد از بلوغ اخلاقی است. این بلوغ اخلاقی در زندگی اجتماعی به هر فرد الزام می‌کند که از بخشی از خواسته‌ها، منیت‌ها و آزادی‌هایش به سود تداوم زندگی اجتماعی بگذرد؛ بنابراین گذشتن از منیت‌ها از کوچک‌ترین جمع‌های اجتماعی یعنی خانواده شروع می‌شود و تا بزرگ‌ترین اجتماعات بشری گسترش می‌یابد و ضامن بقای خانواده و اجتماعات بشری کوچک و بزرگ می‌شود.

سومین شاخصی که برای عدالت اجتماعی می‌توان برشمرد، این است که عدالت اجتماعی برای اینکه بتواند کارکرد ممانعت از فروپاشی را در اجتماع به عهده بگیرد باید از یک جهان‌شناسی و جهان‌بینی منشعب شود؛ از این رو شما می‌توانید برحسب این جهان‌شناسی عوامل متعددی را برای ممانعت از فروپاشی جامعه برشمارید. این جهان‌شناسی اقتصاد، فرهنگ، سیاست و